

## حق خواهی دانش هسته‌ای ایران

دکتر رضا عیسی‌نیا\*

### مقدمه

مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در دو مقطع زمانی با ابعاد یا رویکردهای فنی - حقوقی، اقتصادی و سیاسی مورد بحث و گفت‌وگو قرار داد؛ یعنی دو برهه زمانی کاملاً متفاوت و متضاد؛ برهه‌ای که قدرت‌های بزرگ خارجی، نه تنها مانع از هسته‌ای شدن ایران در دوران پهلوی دوم نمی‌شدند، بلکه کشورهایی چون آمریکا آموزش متخصصان امور هسته‌ای، و کشورهایی مانند آلمان و فرانسه تهیه و تحویل فناوری هسته‌ای را به ایران متقبل شده بودند؛ ولی همین کشورها، در برهه پس از انقلاب اسلامی، یعنی دوران استقرار جمهوری اسلامی ایران، به مخالفت و مانع‌تراشی در همه ابعاد قضیه، علیه جمهوری اسلامی ایران برخاستند و مسائل هسته‌ای ایران را که از لحاظ فنی و اقتصادی، مشکلی برای کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد نمی‌کرد، به مشکلات سیاسی گره زده، مانع تأسیس و راه‌اندازی مراکز هسته‌ای ایران در خوزستان، اراک یا اصفهان شدند حتی کار را پس از

---

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تحریم‌ها به جایی کشاندند که پرونده هسته‌ای ایران از محل بررسی اصلی خود، یعنی «آژانس انرژی هسته‌ای» به مراکز دیگری که صلاحیت بررسی هسته‌ای را از حیث فنی نداشتند، مانند شورای امنیت سازمان ملل کشیده شد. اگرچه دشمنان، کار را روزبه‌روز برای جمهوری اسلامی ایران سخت‌تر کردند، اما مردم و مسئولان در این راه، دست‌به‌دست هم داده، همدل و یک‌صدا و مصمم‌تر گام برداشتند تا بتوانند حقوق اولیه ملت شریف ایران را، با حفظ اصول سه‌گانه سیاست خارجی، یعنی: عزت، حکمت و مصلحت تحقق ببخشند.

### بُعد فنی و حقوقی دانش هسته‌ای

اولین قدم جدی در زمینه بهره‌گیری از علوم هسته‌ای در ایران، در سال ۱۳۳۵ش برداشته شده است و در ۱۵ اسفند همین سال، موافقت‌نامه همکاری بین ایران و آمریکا در خصوص استفاده غیرنظامی از انرژی هسته‌ای امضا شد. پس از این جریان بود که دانشگاه تهران، مرکزی را تحت عنوان «مرکز اتمی دانشگاه تهران» برای آموزش پژوهش هسته‌ای تأسیس کرد و در سال ۱۳۵۱ش، به عضویت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) پیوست<sup>۱</sup> و در سال ۱۳۵۳ سازمان انرژی اتمی ایران تأسیس شد و با آژانس موافقت‌نامه پادمان را امضا کرد. به دنبال آن، آمریکایی‌ها متعهد شدند از طریق انرژی هسته‌ای، ۲۲ هزار مگاوات برق برای ایران تأمین کنند. آنها خود پیشنهاددهنده، تأمین‌کننده و حتی برنامه‌ریز انرژی هسته‌ای ایران بودند. علاوه بر آمریکا، شرکت‌های اروپایی مانند «زیمنس» آلمانی تعهد کرد که نیروگاه‌های هسته‌ای، و شرکت «اوریدف» فرانسوی هم سوخت هسته‌ای را تأمین نمایند. اریدوف فرانسوی به ایران پیشنهاد داد برای اینکه بتواند سوخت هسته‌ای را به دست آورد، باید به طور مستمر در اوریدف سرمایه‌گذاری کند و اگر سرمایه‌گذاری نماید، طبق اساس‌نامه آن، کسانی که در آنجا سهام‌دار هستند، شرکت مذکور نمی‌تواند از دادن اورانیوم غنی شده به سهام‌داران خودداری کند.<sup>۲</sup>

چون آمریکا بخش حمایت علمی انرژی هسته‌ای ایران را پذیرفته بود، بدین جهت، از سازمان انرژی اتمی و دانشگاه‌های ایران حدود چهارصد نفر به آمریکا اعزام شدند که تقریباً

۱. محمودرضا گلشن‌پژوه، *پرونده هسته‌ای ایران روندها و نظرها*، ص ۲۱۳ - ۲۲۲.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، *تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان*، ص ۳۲ - ۳۵.

۳۵۰ نفر آنها از سازمان انرژی اتمی بودند. قرار شد این افراد در دو سه رده (تکنسین، کارشناس و فوق لیسانس) در آنجا تحصیل کنند؛ ولی از آن رو که ورود افراد فوق‌الذکر به آمریکا مقارن با انقلاب اسلامی ایران بود، آمریکا از ایران حمایت نکرد و دانشجویان را از پرداختن به مسائل هسته‌ای منصرف کرد یا از کشور خود اخراج نمود. در مورد فناوری هسته‌ای، یعنی نیروگاه‌ها قرار بود زیمنس آنها را تأمین کند<sup>۱</sup>، به هر حال در وهله اول، طی یک برنامه پانزده‌ساله طراحی شده، حدود هشت نیروگاه اتمی از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۷ برنامه‌ریزی گردید و قرارداد ساخت با پیمانکاران خارجی به امضا رسید. نیروگاه‌های اتمی که قرار بود در ایران احداث شوند و به نوبه خود می‌توانستند چیزی حدود ده‌هزار مگاوات برق تأمین کنند، به این شرح بودند:

نخستین آن در بوشهر، دومی در دارخوین (خوزستان)، سومی نیروگاه اتمی اصفهان و چهارمی نیروگاه اتمی ساوه بود. در سال ۱۳۵۷ و هنگام وقوع انقلاب اسلامی به غیر از واحدهای یک و دو، نیروگاه اتمی بوشهر به لحاظ ساخت نسبتاً پیشرفت کرده؛ اما نیروگاه دارخوین در مرحله شروع کارهای اجرایی بود و نیروگاه اصفهان نیز در مرحله بررسی و مذاکره قرار داشت که انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و همه کارها تعطیل شد.<sup>۲</sup>

پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، چون ایران در تعامل و همکاری با آمریکا قرار داشت، آمریکا با دسترسی انرژی هسته‌ای ایران، نه تنها مخالف نبود، بلکه بر این باور بود که اگر ایران به انرژی هسته‌ای مجهز شود، مسئله‌ای پیش نخواهد آمد<sup>۳</sup> و همانند کره جنوبی و یا مصر می‌شود؛ اما با بروز انقلاب اسلامی، همه چیز تغییر کرد. ابتدا آمریکایی‌ها به آلمانی‌ها گفتند که بقیه فناوری و تأسیسات اتمی را به ایران ندهند. فرانسه<sup>۴</sup> (= اوریدف) نیز برخلاف

---

۱. علی خرم، مذاکرات هسته‌ای و مشکلات فراروی آن، سلسله نشست‌های علمی مسائل روز پژوهشکده

علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۳۰ تیرماه ۱۳۸۴.

۲. سید حمید هاشمی، پرونده هسته‌ای ایران: سیر تاریخی و نظریه‌ها، ص ۱۸ - ۲۰؛ مرکز اسناد و تاریخ

دیپلماسی، تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان، ص ۳۸ - ۵۶.

۳. محمدحسین دریایی، مذاکرات هسته‌ای ۵+۱ توافق ژنو، ص ۸۴ - ۸۹؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی،

تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان، ص ۹۰.

۴. محمودرضا گلشن‌پژوه، پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها، ص ۲۲۲.

اساس‌نامه - با اینکه ایران هنوز سهام‌دار آن است<sup>۱</sup> - به کشورمان رسماً اعلام کرد که به شما سوخت و «کیک زرد» نمی‌دهیم. آمریکا نیز به دانشجویان و کارشناسان هسته‌ای که از ایران به آنجا اعزام شده بودند، اعلام کرد که می‌توانید برگردید یا پناهنده شوید و یا خودتان ادامه تحصیل دهید که بیشتر دانشجویان در دسته سوم قرار گرفتند. خلاصه اینکه با وجود مواضع سه کشور: آمریکا، فرانسه و آلمان که متعهد شده بودند در امر انرژی هسته‌ای با ایران همکاری کنند، علناً فعالیت هسته‌ای در ایران متوقف گردید.

با تحقق انقلاب اسلامی ایران و با مخالفت‌های کشورهای مذکور در همکاری‌های هسته‌ای، عملاً تا مدت‌ها صحبتی از مسائل هسته‌ای نبود و به عبارتی، علل متعدد از جمله جنگ، فرصت تکمیل و پرداختن به طرح‌های هسته‌ای را از ایران گرفته بود تا اینکه با پایان جنگ تحمیلی و در دوران بازسازی، جمهوری اسلامی ایران به توسعه انرژی اتمی توجه کرد؛<sup>۲</sup> چون از سویی دستاوردهای جنگ عراق علیه ایران، چیزهایی را به ما آموخت و آمریکا، آلمان و فرانسه درهایشان را به روی ایران بستند، از سوی دیگر، کشورمان در داخل، منطقه و جهان از نظر فناوری و اقتصادی با کاهش چشمگیری مواجه شده بود. از این‌رو، ایران برای اعاده حیثیت و غرور ملی خود، درصدد برآمد که راه برخورداری از فناوری هسته‌ای را خودش طی کند؛ ولی سؤالی که مطرح است، این است که چرا و از کجا قضیه تقابل هسته‌ای شروع شد و چه وضعیتی پیدا کرد؟ به عبارتی، چطور شد که مسئله هسته‌ای ایران از جهت فنی و حقوقی مشکل‌آفرین شد؟

در پاسخ به این پرسش به طور اجمال می‌توان گفت: ایران به دلیل حمایت کشورهای بزرگ از عراق در جنگ، مجبور شد که قدرت فنی و اقتصادی خود را در راستای برنامه‌های آژانس افزایش دهد؛ اما برخی از اقدام‌ها و گزارش‌های آژانس که نشان‌دهنده عدم استقلال این سازمان بین‌المللی بود، باعث شد که روند فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که از ابتدا به دنبال دستیابی به توانایی علمی و فناوری در زمینه هسته‌ای به

۱. امیر شه‌ریار امینیان، موج زنده: روایت مستند تلاش ایرانیان برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای،

ص ۴۱.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان، ص ۵۴۵.

منظور بهره‌گیری از آن در تأمین نیازهای صلح‌آمیز از جمله انرژی بود، با مشکلاتی مواجه گردد. بنابراین، حل مسئله فعالیت هسته‌ای ایران، سه راه حل پیش پای تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی ایران قرار داد: ۱. تعلیق دائمی فعالیت‌های هسته‌ای؛ ۲. مذاکره با قدرت‌های اصلی دارنده انرژی هسته‌ای، به‌ویژه آمریکا؛ ۳. مذاکره با سازمان‌های اصلی فعال در این زمینه.

راه حل اول، در سال ۱۳۸۲ اصولاً قابل پیاده‌شدن و تحقق نبود؛ چون جمهوری اسلامی ایران هجده سال برای این کار سرمایه‌گذاری کرده بود و دنبال تولید سلاح هسته‌ای نبود. راه حل دوم نیز به دلیل شرایط داخلی و تقابل عقیدتی مقدور نبود.<sup>۱</sup>

بنابراین، فقط راه حل سوم باقی ماند. در این راهکار، چون آژانس استقلالی از خود نداشت و اوامر قدرت‌های استکباری را به اجرا می‌گذاشت، نخواست و نتوانست وظایف خود را در بُعد فنی و حقوقی که مربوط به آژانس بود،<sup>۲</sup> به‌درستی انجام دهد. عمل آژانس موجب شد که مسئولان جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۸۲ش، باب مذاکرات با آژانس را تعطیل کرده، سراغ اتحادیه اروپا بروند. اگرچه جمهوری اسلامی ایران در ابتدا با پروتکل الحاقی موافقت نکرد و به آن نپیوست، ولی به دلایلی، در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳م پروتکل الحاقی را امضا کرد<sup>۳</sup> تا در بازرسی‌های بعدی، معیارهای پروتکل اعمال شود. از این‌رو، قضیه انرژی هسته‌ای ایران را به بُعد امنیتی و سیاسی تبدیل کردند؛ زیرا NPT (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) را امضا کرده بودیم و باید بر همان اساس اقدام می‌کردیم؛ وقتی پروتکل را امضا کردیم، یعنی با امضای موافقت‌نامه تهران - پاریس، نشان دادیم که دیگر آژانس یا NPT نیست که در مورد مسئله هسته‌ای ایران نظارت و کنترل می‌کند؛ بلکه با این کار، پذیرفتیم که چیزی به NPT اضافه شده است. بنابراین، با تغییراتی که در سال ۲۰۰۵م (= ۱۳۸۴ش) رخ داد و به راه‌اندازی کارخانه یوسی.اف (UCF) در اصفهان و کنار گذاشتن تعلیق از سوی جمهوری اسلامی ایران منتهی گردید، کار برای ما مشکل‌تر شد؛ چون پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع گردید.<sup>۴</sup>

۱. داود غرایق زندی، *ایران: مسئله هسته‌ای*، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. حسن روحانی، *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، ص ۱۱۸ - ۱۲۰.

۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، *تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان*، ص ۵۴۶ - ۵۴۷.

### بُعد سیاسی دانش هسته‌ای

در مورد اینکه چرا موضوع هسته‌ای ایران به معضل سیاسی تبدیل شده است، علت به این موضوع برمی‌گردد که ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش تا پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک‌ترین یار و متحد آمریکا بود. از این‌رو، هیچ‌گونه مانعی بر سر راه فعالیت‌های هسته‌ای‌اش وجود نداشت<sup>۱</sup> و می‌توانست همه تأسیسات هسته‌ای را که در متن توضیح دادیم، داشته باشد؛ زیرا خلاف منویات آمریکا عمل نمی‌کرد؛ اما با ظهور انقلاب اسلامی، داشتن حتی ذره‌ای از امکانات هسته‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ممنوع شد.

علت اینکه ایران از سال ۱۳۸۲ش در دایره توجه بین‌المللی قرار گرفت، این است که آمریکا در راستای راهبرد قرن ۲۱، سه کشور عراق، ایران و کره‌شمالی را به عنوان محورهای شرارت یاد کرد که با سلاح‌های غیرمعارف خود، امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کنند. اوج فشارهای آمریکا پس از اشغال عراق، متوجه ایران شد<sup>۲</sup> تا از این طریق، تکلیفش را با آنها، به‌ویژه با کشورمان که ماهیتی ضد سلطه داشت، یک‌سره کند. از این‌رو، هنگامی که عراق را شکست دادند و وارد خاک آن شدند، حدود هفت روز پس از آن، پرونده ایران را در آژانس به جریان انداختند و آژانس را وادار کردند تا روی قضیه هسته‌ای ایران متمرکز شود؛<sup>۳</sup> چون می‌دانستند که ایران در چه مرحله‌ای است.

آمریکا در اسفندماه ۱۳۸۱ش پرونده ایران را با توجه به اطلاعاتی که از فضای اقتصادی داخلی و فضای سیاسی جهانی داشت، در آژانس مطرح کرد و خواستار بررسی آن شد. اگرچه کشورهای دنیا در آن زمان به جهت اشغال عراق توسط آمریکا، خیلی با آمریکایی‌ها همراهی نمی‌کردند، ولی حدود هفت ماه بعد، وضعیت تغییر کرد و در سطح بین‌المللی فضا سازی منفی و شدیدی علیه ایران به وجود آمده بود. وضع در داخل ایران هم به دلیلی همچون عدم همراهی عده‌ای از نمایندگان مجلس ششم با ادامه پروژه هسته‌ای و مسائل دیگر<sup>۴</sup>، موجب شد که مسئولان جمهوری اسلامی ایران اولتیماتوم را جدی بگیرند. بنابراین، در سپتامبر ۲۰۰۳ (= شهریور ۱۳۸۲) قطعنامه بسیار شدیدی علیه ایران در شورای حکام

۱. همان، ص ۹۴.

۲. سید حمید هاشمی، پرونده هسته‌ای ایران: سیر تاریخی و نظریه‌ها، ص ۳۰.

۳. حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، ص ۱۲۱.

۴. همان.

آژانس تصویب شد<sup>۱</sup> که طی آن، جمهوری اسلامی ایران به نقض قرارداد پادمان و انجام امور مخفیانه متهم گردید؛ یعنی متهم شد که در صدد ساخت بمب اتم است. مفاد پروتکل از ایران می‌خواست که با امضای آن، عملاً فعالیت‌های غنی‌سازی را تعلیق نماید.

چون آمریکایی‌ها پس از انقلاب اهداف دیرینه‌شان این بود که به بهانه‌ای ایران را به شورای امنیت بکشانند، با کشورهای مختلف رایزنی می‌کردند تا فشار علیه ایران افزایش یابد و پرونده ایران به شورای امنیت داده شود. از این‌رو، بعد از تصویب و پذیرش پروتکل الحاقی پرونده هسته‌ای ایران از آژانس به شورای امنیت سازمان ملل داده شد.

توضیح بیشتر درباره بُعد سیاسی هسته‌ای این است که بر اساس NPT جهت انجام فعالیت‌های هسته‌ای، مجاز بودیم؛ زیرا همه چیز را به آژانس اطلاع می‌دادیم و آژانس تأیید کرده بود که ایران به سوی ساخت سلاح هسته‌ای نرفته؛ اما آمریکا می‌گفت: درست است که ایران به سمت سلاح هسته‌ای نرفته، اما اگر بخواهد، طی چند ماه می‌تواند به این توانمندی برسد و ما از این مسئله نگران هستیم. آژانس در پاسخ می‌گفت: وظیفه ما جلوگیری از فعالیت‌های ایران به جهت ترس از دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست؛ وظیفه ما این است که مواظب باشیم ایران به سمت سلاح هسته‌ای نرود.

آمریکا و اروپا در مذاکرات با ایران دچار مشکل شده بودند. آنها ضمن اینکه چیزهایی مانند: بیانیه تهران، موافقت‌نامه پاریس<sup>۲</sup> و پروتکل الحاقی را به خورد ما دادند، اما از نظر حقوقی با مشکل مواجه شده بودند؛ چون دیگر کشورهای جهان، می‌پرسیدند که چرا آمریکا و اروپا به ایران زور می‌گویند؛ مگر فعالیت‌های ایران در چارچوب NPT و در نتیجه، معقول، منطقی و حقوقی نیست؟

آمریکا و اروپا در پاسخ بازماندند و چون در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایران در اواخر ۲۰۰۴ و اوایل سال ۲۰۰۵، مسئله هسته‌ای و شیوه حل و فصل آن، به شدت به موضوعات سیاسی داخلی مربوط به مبارزات انتخاباتی و تعاملات جناحی در ایران گره خورده بود،<sup>۳</sup> قدرت‌های خارجی پیش از انتخابات به این نتیجه رسیدند که اگر در جریان انتخابات ایران شخصی بر سر کار بیاید که بتواند با او کار کنند، قضیه هسته‌ای ایران را به

۱. همان، ص ۱۲۶.

۲. همان، ص ۳۰۵ به بعد.

۳. همان، ص ۳۵۵.

گونه‌ای دیگر پیش می‌برند؛<sup>۱</sup> ولی چون به نتایج پیش‌بینی انتخاباتی خودشان نرسیدند، آمریکا تلاش کرد که پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد؛<sup>۲</sup> اما حقیقت آن بود که دیگر دوران اداره جهان توسط یک قدرت برتر، به‌تنهایی به سر رسیده بود.

آمریکا تلاش داشت که برای اقدامات و دخالت‌های خود در کشورهای دیگر، به هر بهانه - ای متوسل شود؛ چه به بهانه مبارزه با تروریسم یا به بهانه حمایت از حقوق بشر و اجرای دموکراسی. برای این کار، لازم بود که کشورهای دیگر را با خود همراه سازد. به همین هدف، بهترین شیوه، قانونی کردن عملکرد خود در قالب سازمان ملل بود. از این‌رو تلاش کرد مسئله هسته‌ای ایران را به شورای امنیت بکشاند و در این کار موفق شد؛ چون با اعلام پایان تعلیق UCF اصفهان و آغاز به کار آن در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۰ از طرف ایران، فضای بین‌المللی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران متشنج شد. نُه ماه از دوران ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد گذشته بود که پرونده هسته‌ای ایران در ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ش به شورای امنیت ارجاع داده شد و در مجموع، شش قطعنامه علیه کشورمان صادر شد که بر اساس این قطعنامه‌ها، ایران نباید از هیچ فعالیت تجاری مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم و دیگر مواد هسته‌ای یا فناوری دیگر کشورها، بهره‌مند شود، چنان‌که تمامی کشورها باید از انتقال هرگونه تانک، خودروهای زرهی، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای تهاجمی، توپخانه کالیبر بالا، کشتی‌های نظامی، موشک و سیستم‌ها و قطعات مرتبط با آنها به ایران خودداری کنند. همچنین تحریم‌های اقتصادی شدیدی علیه ایران وضع گردید.<sup>۳</sup>

---

۱. همان، ص ۴۹۲.

۲. همان، ص ۳۶۱.

۳. پایگاه اینترنتی خبرگزاری فارس، «نیم‌نگاهی به شش قطعنامه شورای امنیت درباره برنامه هسته‌ای ایران»، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۸/۲۵، نشانی:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۳۰۸۲۴۰۰۰۵۶۲>

همچنین رک: پایگاه اینترنتی سازمان انرژی هسته‌ای ایران، نشانی:

<http://www.aeoi.org.ir/Portal/Home>



همچنان که گفته شد، سرکار آمدن دولت آقای احمدی‌نژاد که در نگاه اروپایی‌ها دولتی افراطی تلقی می‌شد، بر شدت تشنج افزود. بنابراین، معادلات هسته‌ای ایران در دولت هشتم، در تقابل کامل و علنی با آمریکا قرار گرفت؛ چون تیم هسته‌ای در دولت هشتم، نیاز به مذاکره با اروپا را قطع کرد، همچنین قطعنامه شورای حکام در شهریور ۱۳۸۴ را که بسیار خطرناک بود، جدی نگرفت؛<sup>۱</sup> زیرا به لحاظ حقوقی، ایران ناقض NPT شناخته شد و کار را برای ما سخت‌تر کرد؛ چراکه ایران باید تلاش دوچندانی داشته باشد تا پرونده هسته‌ای خود را به جایگاه اولش برگرداند؛ یعنی پرونده‌ای را که در آژانس بوده و به شورای امنیت رفته، باید دوباره با هزینه‌ای بسیار به آژانس برگرداند. مذاکرات ایران با کشورهای ۵+۱ در ژنو، استانبول، بغداد، مسکو، آلماتی و دوباره ژنو، در همین راستا بوده و ادامه دارد.

در انتها، این سؤال مطرح است که آیا ایران توانسته به هدف پیش‌گفته خود در انرژی هسته‌ای، یعنی تأمین انرژی، پیشرفت اقتصادی و علمی دست پیدا کند؟ به طور اجمال، می‌توان گفت که ایران در زمینه فناوری هسته‌ای، پیشرفت خوبی داشته، همین که توانسته غنی‌سازی را با وجود تمامی تحریم‌ها، به بیست درصد برساند، به نوعی به رشد و پیشرفت علمی نزدیک شده، دستاورد قابل توجهی به دست آورده است.

### بُعد اقتصادی دانش هسته‌ای

مسئله هسته‌ای، چه نقشی در اقتصاد ایران ایفا می‌نماید؟ آیا از حیث اقتصادی این ارزش و اهمیت وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران، برای کسب انرژی هسته‌ای این همه هزینه کند؟

برای یافتن پاسخ، باید به دامنه و قلمرویی که می‌شود از این منبع بهره‌برداری کرد، عنایت داشت؛ مثلاً در قلمرو برق یا در قلمرو مسائل پزشکی و از این دست موارد. متخصصان گفته‌اند: احتیاج ایران به انرژی برق با رشد سالانه از شش درصد به هشت درصد، بر مبنای برآوردی که از رشد جمعیت تا شمار صد میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ شده است، ایران باید به فکر توسعه استفاده خود از انرژی هسته‌ای باشد.<sup>۲</sup> بررسی‌های اقتصادی نیز نشان می‌دهد که از نظر اقتصادی، تولید سوخت هسته‌ای در داخل بسیار به صرفه است.

۱. حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، ص ۶۲۲.

۲. سید حمید هاشمی، پرونده هسته‌ای ایران: سیر تاریخی و نظریه‌ها، ص ۲۶.

پیش از ارائه پاسخ تفصیلی، باید نخست این سؤال را مطرح کرد که آیا جمهوری اسلامی ایران با توجه به ذخایر نفت و گاز، نیازی به انرژی هسته‌ای دارد؟ به عبارت دیگر، آیا برای کشوری که متکی به سوخت فسیلی است، گرایش به انرژی تجدیدپذیر یا سوخت هسته‌ای مقرون به‌صرفه می‌باشد؟

بی‌شک، می‌توان گفت که امروزه هیچ کشوری سعی نمی‌کند که از لحاظ راهبردی، انرژی مورد نیازش را فقط از یک منبع تأمین کند؛ هرچند آن منبع در آن کشور به فراوانی یافت شود. از این رو، ایران نباید فقط به منبع سوخت فسیلی خود قانع باشد؛ چون بهترین شیوه و باصرفه‌ترین راه برای استفاده از منابع انرژی، استفاده از روش ترکیبی می‌باشد.

برای اینکه بتوان به یک پاسخ منطقی دست پیدا کرد، بهتر است که به تحقیقات و کار کارشناسی‌ای که پژوهشگران در این باره کرده‌اند، رجوع نمود. آنان، با مقایسه بین فرایند تولید انرژی از سوخت فسیلی با سوخت هسته‌ای، به این نتیجه رسیده‌اند که از هر نظر، امروزه تولید سوخت هسته‌ای منطقی و بهینه می‌باشد.<sup>۱</sup> علاوه بر کاربرد انرژی هسته‌ای در برق، کاربردهای علمی دیگر این انرژی را در صنعت نفت و صنایع دیگر، همچنین در حوزه علوم پزشکی، مثلاً در: رادیوگرافی، گاما اسکن، میکروزدایی وسایل پزشکی با پرتوهای هسته‌ای و رادیوبیولوژی را می‌توان نام برد. خلاصه اینکه جمهوری اسلامی ایران باید انرژی هسته‌ای را در علوم مختلف و تولیدات صنعتی خود وارد کند و به تولید انبوه برساند تا به اقتصادی بالنده دست یابد.

## جمع‌بندی

پرونده هسته‌ای، به عنوان یکی از مسائل بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب اسلامی دارای ابعاد فنی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی بوده که در هر یک از ابعاد، نیازمند تحلیل ویژه‌ای است؛ مثلاً در بُعد امنیتی، نیاز به تحلیل مستوفایی می‌باشد؛ چون هسته‌ای شدن ما موجب می‌گردد که بیشتر کشورها به دلایلی بتوانند موضعی متفاوت علیه ما اتخاذ کنند؛ چه کشورهای همسایه عربی، چه آنهایی که با ما دوست هستند و چه آنانی

۱. پایگاه اینترنتی راسخون، «اقتصاد انرژی هسته‌ای»، نشانی:

که سخت دشمن ما هستند، مانند اسرائیل و آمریکا؛ زیرا آنان از هرگونه مجهز شدن ایران به سلاح هسته‌ای واهمه دارند.

در بُعد فنی حقوقی نیز گفته شد که ایران هیچ خلافی از نظر حقوقی و فنی انجام نداده است. تنها مشکلی که برای کشورمان در دوران جمهوری اسلامی پیش آمد، این بود که مسئله را سیاسی کردند و ایران مجبور شد به جای اینکه برنامه‌های هسته‌ای را در آژانس (NPT) دنبال کند، به خاطر فشارهای بین‌المللی و حساسیت‌های داخلی، به چیزهایی تن دهد که مسئله را روزبه‌روز برایش سخت‌تر و مشکل‌تر سازد؛ از جمله آنها، پذیرش پروتکل الحاقی و از آن بدتر، انتقال پرونده از آژانس به شورای امنیت سازمان ملل بود. با همه اینها، باید به یک نکته توجه داشت و آن اینکه پرونده هسته‌ای ایران، از اول تا کنون که شامل پنج تیم با پنج مسئول بوده، با همه فراز و نشیب‌هایی که داشته، در راستای تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی و منویات مقام معظم رهبری گام برداشته و اگرچه مسئولان امر در دنبال کردن مسئله هسته‌ای، کوتاهی یا نواقصی داشته‌اند، ولی همیشه تلاش نموده‌اند که منافع ملی و عزت، حکمت و مصلحت را در نظر داشته باشند و در قضیه هسته‌ای ایران همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: مسئولان جمهوری اسلامی همه با هم در زمینه هسته‌ای تصمیمات لازم را گرفتند و تصمیم به صورت جمعی بود.<sup>۱</sup> ان شاء الله این قضیه، به نفع جامعه و کشور اسلامی ایران به پایان برسد.

---

۱. حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، ص ۶۲۴.